

## نواب اربه



در زمان غیبت صغری چهارتن از بزرگان شیعه وکیل و سفیر و نایب خاص امام زمان علیه السلام بودند که خدمت آن حضرت می‌رسیدند و وکالتشان به خصوص مورد تایید بود و پاسخهای امام در حاشیه نامه‌های سوالی توسط آنان بدست مردم می‌رسید.

در زمان غیبت صغری چهارتن از بزرگان شیعه وکیل و سفیر و نایب خاص امام زمان علیه السلام بودند که خدمت آن حضرت می‌رسیدند و وکالتشان به خصوص مورد تایید بود و پاسخهای امام در حاشیه نامه‌های سوالی توسط آنان بدست مردم می‌رسید.

البته غیر از این چهار نفر وکلای دیگری هم از طرف امام علیه السلام در بلاد مختلف بودند که یا بوسیله همین چهار نفر امور مردم را بعرض امام زمان علیه السلام می‌رساندند و از سوی امام در مورد آنان توفیقهایی صادر شده بود (1) و یا به گفته مرحوم آیه الله سید محسن امین سفارت این چهار نفر سفارت مطلق و عام بوده ولی دیگران در موارد خاصی سفارت داشتند از قبیل «ابوالحسن محمد بن جعفر اسدی» و «احمد بن اسحاق اشعری» و «ابراهیم بن محمد همدانی» و «احمد بن حمزه بن الیسع» (2)

نواب اربه به ترتیب عبارتند از:

1 - جناب ابو عمر و عثمان بن سعید عمری (به فتح عین و سکون میم).

2 - جناب ابو جعفر محمد بن سعید عمری.

3 - جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی.

4 - جناب ابوالحسن علی بن محمد سمري (بفتح سین و میم)

«ابو عمر و عثمان بن سعید» مورد اعتماد مردم و حلیل القدر و وکیل حضرت هادی و حضرت عسکری بود (3) و به امر امام علیه السلام متصدی کفن و دفن امام گردید (4) وی در سامرا در محله عسکر سکونت داشت و به همین مناسبت به او نیز «عسکری» گفته می‌شد و برای آنکه ماموران درباری پی به کارها و خدمات او نسبت به امام علیه السلام نبرند روغن فروشی می‌کرد (5) و زمانی که تماس با امام عسکری (ع) برای شیعه مشکل بود اموال توسط او برای امام ارسال می‌شد و جناب عثمان بن سعید اموال را در ظرفهای روغن می‌ریخت و نزد امام می‌برد (6)

«عثمان بن سعید» پیش از وفات به فرمان امام عصر (عج) فرزند خود «ابو جعفر محمد بن عثمان» را به جانشینی خود و نیابت امام معرفی کرد.

«محمد بن عثمان» نیز همچون پدر از بزرگان شیعه و در تقوی و عدالت و بزرگواری مورد اعتماد و احترام شیعیان بود و قبلاً نیز حضرت عسکری علیه السلام نسبت به او و پدرش اظهار اعتماد و اطمینان فرموده بود و مرحوم شیخ طوسی می‌نویسد شیعه بر عدالت و تقوی و امانت او اتفاق داشتند (7).

پس از درگذشت نایب اول جناب «عثمان بن سعید» توقیعی (8) از جانب امام زمان علیه السلام در مورد وفات او و نیابت فرزندش «محمد» صادر شد.

«عبد الله بن جعفر حمیری» می‌گوید از محمد بن عثمان پرسیدم صاحب الامر را دیده‌ای؟

فرمود: آری و آخرین ملاقاتم با او کنار بیت الله الحرام بود که می‌گفت «اللهم انجز لی ما وعدتني» (9) و نیز او در در مستجار (10) دیدم که می‌گفت «اللهم انتقم بی اعدائی» (11)

و نیز محمد بن عثمان می‌فرمود: صاحب الامر (ع) هر سال در حج حاضر می‌شود او مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند. (12)

محمد بن عثمان برای خود قبری ترتیب داده و آنرا با ساج (نوعی پارچه و لباس) پوشانده بود و روی آن آیاتی از قرآن کریم و اسامی ائمه اطهار را نوشته بود و هر روز داخل آن می‌شد و يك جزو از قرآن را قرائت می‌کرد و بیرون می‌آمد (13)

این بزرگوار پیش از مرگ از روز وفات خود خبر داد و در همان روز در گذشت (14) و پیش از رحلت گروهی از بزرگان شیعه نزد او آمدند و «ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی» را به امر امام زمان علیه السلام برای سفارت و ارتباط با امام معرفی کرد و فرمود او قائم مقام من است به او مراجعه کنید (15)

جناب ابو جعفر محمد بن عثمان عمری در سال 305 هجری قمری رحلت کرد (16) رحمه الله علیه رحمه واسعه.

حسین بن روح نوبختی

جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی نزد موافق و مخالف عظمت و بزرگی ویژه‌ای داشت و به عقل و بینش و تقوی و فضیلت مشهور بود و عموم فرقه‌های مختلف مذهبی به او توجه داشتند در زمان نایب دوم محمد بن عثمان عمری و از جانب او متصدی پاره‌ای از امور بود در میان یاران ویژه محمد بن عثمان «جعفر بن احمد بن متیل قمی» بیش از دیگران با او خصوصی و مرتبط بود چنانکه حتی در اواخر زندگی محمد بن عثمان غذای او در خانه جعفر بن احمد و پدرش تهیه می‌شد و میان اصحاب نایب دوم احتمال جانشینی «جعفر بن احمد بن متیل» از دیگران بیشتر بود در آخرین ساعات زندگی و بهنگام احتضار محمد بن عثمان جعفر بن احمد بالای سر او و حسین بن روح پایین پایش نشسته بودند (17) محمد بن عثمان به جعفر بن احمد رو کرد و فرمود: مامور شده‌ام که امور را به ابوالقاسم حسین بن روح واگذار نمایم.

جعفر بن احمد از جا برخاست و دست حسین بن روح را گرفت و او را بالای سر محمد بن عثمان نشان داد و خود در پایین پای او نشست. (18)

مؤلف كتاب «منتهى المقال» درباره نائب چهارم جناب ابوالحسن على بن محمد سمري مى‌نويسد: «جلالت قدر او آنچنان زياد است كه نيازى به توصيف ندارد» (19) .

آن بزرگوار به فرمان امام عصر ارواحنا فداه پس از جين بن روح عهده دار نيابت امام (ع) و رسيدگى به امور شيعيان گرديد.

مرحوم محدث قمى مى‌نويسد: ابوالحسن سمري روزى به جمعى از مشايخ كه نزد او بودند فرمود خداوند به شما در مصيبت على بن بابويه قمى اجر عنايت فرمايد در اين ساعت از دنيا رفت.

آنان ساعت و روز و ماه را ياد داشت كردند 17 يا 18 روز بعد خبر رسيد كه در همان ساعت على بن بابويه قمى در گذشته است (20)

«على بن محمد سمري» در سال 329 هجرى در گذشت (21) و پيش از وفاتش گروهى از شيعان نزد او گرد آمدند و پرسيدند پس از تو چه كسى جانشين تو خواهد بود؟

پاسخ داد: من مامور نشده‌ام در اين مورد به كسى وصيت كنم (22)

و نيز توقيعى را كه از سوى امام غائب عليه السلام در اين باره صادر شده بود به شيعيان نشان داد آنان از روى توقيح استنساخ كردند.

پى‌نوشتها:

(1) المهدى ص 182.

(2) اعيان الشيعه، ج 4 بخش سوم، ص 21

(3) منتهى المقال - المهدى ص 181

(4 و 5) اعيان الشيعه، ج 4 بخش سوم، ص 16.

(6) بحار، ج 51 ص 344.

(7) بحار ج 51 ص 345 - 346 غيبت شيخ طوسى، ص 216 و 219 الكنى واللقاب، ج 3 ص 230.

(8) «توقيع» يعنى حاشيه نوبسى و اصطلاحا به دستورات و نامه‌هاى خلفا و پادشاهان نيز گفته مى‌شد و در كتب علمائى شيعه به نامه‌ها و فرمانهاى كه در زمان غيبت از طرف امام غائب به شيعيان رسيده «توقيعات» مى‌گويند.

(9) بحار، ج 51، ص 351

(10) مستجار محلى است نزديك ركن يمانى و مقابل در كعبه و جائى است كه گنهكاران به آنجا پناه مى‌برند.

(11) بحار، ج 51، ص 351

(12) بحار، ج 51، ص 351

(13) الكنى و الالقاب چاپ نجف ج 3 ص 267 - 268

(14) الكنى و الالقاب ج 3 ص 268

(15) بحار ج 51، ص 354 - 355، غيبت شيخ طوسى، ص 326 - 327.

(16) بحار ج 51، ص 352

(17) بحار ج 51، ص 353 - 354

(18) بحار ج 51، ص 354

(19) منتهى المقال

(20) الكنى و الالقاب، ج 3 ص 231 - بحار، ج 51 و ص 361.

(21) غيبت شيخ طوسى، ص 242 - 243.

(22) بحار ج 51، ص 360.

پيشواى دوازدهم ص 39

مؤسسه در راه حق.